

بررسی تاثیر آموزش های فنی و حرفه ای بر توانمندسازی زنان استان همدان

معصومه عزیزی^۱

چکیده

یکی از شاخص های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت اشتغال زنان و نوع مشارکت آنان است. در کشور ما با وجود آنکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند و از نظر کسب تحصیلات عالی روندی صعودی را طی نموده اند ولی از نظر وضعیت اشتغال نتوانسته اند با توجه به ظرفیت های شخصی، اجتماعی و قانونی به جایگاهی مناسب دست یابند. هدف کلی از نگارش این مقاله بررسی تاثیر آموزش های فنی و حرفه ای بر توانمندسازی زنان در استان همدان می باشد. در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی و همچنین از نرم افزارهای Excel و Spss استفاده شده است. با توجه به این پژوهش که طی بازده زمانی ۹۵-۸۵ در استان همدان انجام گرفته به این نتیجه می رسیم که عواملی چون کسب مهارت های مورد نیاز و رفع تبعیض از بازار کار با توجه به الگوهای شایستگی و سیاست های ارتقاء شغلی و حرفه ای زنان و همچنین قوانین مرتبط با کسب منابع مالی و تغییر نگرش در باورهای اجتماعی در حوزه های آموزش های فنی و حرفه ای می تواند در توانمندسازی بانوان تاثیر گذار باشد. نتایج پژوهش حاضر می تواند مورد استفاده سیاستگذاران حوزه ای اجرا و همچنین زنان علاقه مند به توسعه و پیشرفت قرار گیرد.

کلید واژگان: آموزش های فنی و حرفه ای، توانمندسازی زنان، مطالعات فرسنگی
پژوهشگاه علمی زنان و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آموزش را می‌توان محرکی سازنده برای تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست که از طریق افزایش بهره‌وری، سبب ساز تحرک شغلی و استفاده بیشتر از قابلیت‌های افراد می‌گردد که از مجرای تاثیر بر بازار کار، تغییر و تحول اقتصادی جوامع را موجب می‌شود (שלمانی و همکار، ۱۳۹۲).

آموزش‌های مهارتی، مهمترین عامل موثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار افراد جامعه است که در این میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند. از سوی دیگر این آموزش‌ها با توأم کردن آموزش‌های عملی و نظری این امکان را برای آموزش دیده فراهم می‌کنند که هم سویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی فراهم شود (افروزش و همکار، ۱۳۹۳). علی‌رغم اینکه این آموزش‌ها باید نیاز روز بازار کار باشد، توجه به تغییر و تحول در فرهنگ مناطق همچنین استفاده از نیروهای خلاق منطقه و نیازسنجی در زمینه مشاغل حرفه‌ای هم باید انجام شود (حق‌شناس و همکار، ۱۳۹۲).

تامین نیروی متخصص و ماهر برای اجرای هر برنامه ضرورتی انکارناپذیر است که بدون توجه به آن سرمایه‌گذاری‌های مادی و انسانی به هدر خواهد رفت. یکی از ارکان اساسی و موثر در توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه منابع انسانی است و برای توسعه انسانی طبیعتاً وجود نیروهای متخصص از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی که تخصص لازم را به دست می‌آورد، ضروری می‌باشد (حق‌شناس و همکار، ۱۳۹۲).

حضور فعال زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند باعث توسعه و رشد اقتصادی و فرهنگی در جامعه گردد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از شیوه‌های موثر دسترسی برابر زنان براساس جنسیت است. با توجه به تعاریف و اجزاء توانمندسازی زنان، "مالهاترا، شولر و بوندر" از جمله نظریه پردازانی هستند که به طور اصولی توانمندسازی را یک فرایند محسوب می‌کنند، یعنی، معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر یعنی برابری جنسیتی می‌دانند (مالهاترا، شولر و بوندر، ۲۰۰۷). "نایلا کبیر" از جمله زنان محقق است که در زمینه توانمندی زنان تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است. کبیر در این مورد معتقد است که زنان در دنیای کنونی توسط هنجارها، ارزش‌ها، باورها و رسوم متفاوت از مردان متمایز شده‌اند که به صورت فرهنگ رایج در طی اعصار عمل کرده است (کبیر، ۲۰۰۲).

یافته‌ها نشان می‌دهد که قوانین و منابع دسترسی زنان در زمینه خدمات اقتصادی اجتماعی کافی نبوده و آنان را آسیب‌پذیر می‌سازد. بانک جهانی توانمندسازی را به عنوان یکی از عناصر اصلی در کاهش فقر و به عنوان اولین هدف در امر توسعه شناسایی کرده و همچنین محوریت بخشیدن به جنسیت را به عنوان یک اولویت در کمک به توسعه و عامل کلیدی توسعه پایدار تلقی می‌کند.

توانمندسازی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در قالب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهای آموزش و اشتغال می‌باشد و به قول کبیر (۲۰۰۱) از عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی به شمار می‌رود. دومین عنصر، عاملیت است، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارد، در نظر گرفته شوند. سومین عنصر، دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شود. دستاوردها می‌توانند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند: عزت نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی، سیاسی و غیره را در بر گیرند (کتابی، یزدخواستی، فرخی راستابی، ۱۳۸۴). قابل ذکر است که به دنبال افزایش توجه نسبت به آموزش زنان، مفهوم توانمندسازی زنان نیز ظهور پیدا کرد. در سال ۱۹۹۳ مقاله‌ای با عنوان «آموزش زنان، توانمندسازی زنان و جمعیت زنان» به وسیله UNFPA منتشر شد که هسته اصلی این مقاله بر آموزش زنان به عنوان وسیله‌ای برای توانمندسازی تمرکز یافته بود.

بیان مساله

امروزه زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. با این وجود، تنها تعداد کمی از آن‌ها شاغل بوده و به کسب درآمد می‌پردازند. آمارها نشان می‌دهد که اغلب زنان به کار خانگی اشتغال دارند و یا اینکه اگر کار می‌کنند، بیشتر در مشاغل مشغول کار هستند که درآمد چندانی برای آن‌ها ندارد. این امر می‌تواند یک تهدید یا یک فرصت خوب برای پیشرفت باشد. تهدید از این جهت که اگر همچنان این جمعیت بیکار بماند، اقتصاد کشور دچار مشکلات زیادی خواهد شد. فرصت از این بابت که اگر کشور از این نیروی عظیم کاری بهره‌گیرد، به رشد اقتصادی بسیار بالایی خواهد رسید (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲).

شرط لازم برای موفقیت و دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تنها در گرو استفاده صحیح و بهینه از منابع انسانی و قدرت تفکر آنان بوده و یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت اشتغال زنان و نوع مشارکت آنان می‌باشد، زنان بزرگترین ذخایری هستند که هنوز از وجودشان استفاده بهینه به عمل نیامده است (فرشاد و همکار، ۱۳۹۲).

هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی زنان استان همدان فرضیه‌های پژوهش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توانمندسازی کلی زنان رابطه مثبت و معناداری دارد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و روان‌شناختی زنان رابطه مثبت و معناداری دارد.

پیشینه پژوهش:

(کتابچی، یزدخواستی و فرخی راستابی، ۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان پیش شرط‌ها و موانع توانمندسازی زنان در شهر اصفهان به این نتیجه رسیده که: بالا بردن سطح تحصیلات و سلامتی، اعطای حق مالکیت قانونی، بالا بردن توان مالی، رفع تبعیض در بازار کار و حذف موانع سنتی در توانمندسازی زنان مؤثر است. مروری بر شاخص‌های «غفاری، دارابی و جهانگیری، (۱۳۸۸)» به این نتیجه رسیده‌اند که: بالاترین توانمندسازی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار میزان توانمندی در بعد روانی و کمترین آن در بعد اقتصادی می‌باشد. در بعد اجتماعی و سیاسی در سطح پایینی و در بعد اجتماعی دارای شبکه اجتماعی ضعیف و محدود به شبکه خویشاوندی است.

شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست «کیمایی، (۱۳۹۰)» در پژوهشی با عنوان به این نتیجه رسیده است که برنامه‌های توانمندسازی به نحو صحیح و دقیق «خانوار همان گونه که در سایر کشورها نتایج مثبتی به همراه داشته است، اجرای آن در کشور ما به خصوص روی اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه همچون زنان سرپرست خانوار، نه تنها اشتغال و افزایش سطح درآمد خانوار و ارتقاء آن‌ها به سطوح بالاتر طبقات اجتماعی و اقتصادی جامعه را منجر می‌شود، بلکه به کمک آموزش شغلی از وابستگی آنان به سازمان‌های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می‌بینند. علاوه بر آن، به توانمندسازی روانی آن‌ها در حوزه‌های مختلف روان‌شناختی همچون خودکارآمدی، خودارزشمندی و عزت نفس، کنترل بر زندگی، قدرت تصمیم‌گیری و حل مسئله و... منجر می‌شود.

شکوری (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان به بررسی ابعاد برنامه‌های حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) در توانمندسازی زنان پرداخت. نتایج تحقیقات نشان داد که خدمات ارائه شده در قالب برنامه‌های مذکور نقش قابل توجهی در بالا بردن خود اتکایی و توانمندسازی زنان جامعه نمونه نداشته و فقط محدود به توانمندی آن دسته معدود از زنانی بوه که از خدمات خاصی مانند وام خوداشتغالی و خدمات آموزش (مهارتی) استفاده نموده‌اند و زمینه‌های مساعدتری داشته‌اند. قلی پور و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران پرداخت.

داده‌های تحقیق نشان داد که تحصیلات رسمی اثر معناداری روی توانمندسازی زنان شهر تهران دارد. هر چند انتظار محققین این بود که ضریب تحصیلات از درآمد بالا باشد ولی به دلیل نرخ بالای بیکاری در کشور و انتظار پایین در یافتن شغل برای زنان در ایران موجب شده است که ضریب تحصیلات نسبت به اشتغال در مدل آن پایین باشد.

پاپ زن و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان " ارزشیابی آموزشهای فنی و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی " به این نتیجه رسیدند که تفاوتی معنادار بین مهارت پیشین و کنونی پاسخگویان در زمینه صنایع دستی پس از شرکت در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به دست آمد. بررسی تفاوت در تغییر دانش زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات، حاکی از آن بود که اختلافی معنادار بین تغییر دانش زنان روستایی در سطوح گوناگون تحصیلی وجود دارد. رهنود و همکاران (۱۳۸۷)، عوامل موثر بر توانمندسازی زنان را در شرکت مخابرات ایران مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشانگر آن است که سطح توانمندی کارکنان زن در حد متوسط است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نیز معرف عوامل تاثیرگذار است:

۱- نگرش مدیریت؛ ۲- ساختار گروهی؛ ۳- ارزشهای بین گروهی؛ ۴- روابط اطلاعاتی؛

مدل تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که از عوامل فوق سه متغیر نخست در مدل وارد شده و مجموعاً ۶۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی کارکنان زن را تبیین می‌کنند.

جعفری مهتاش (۱۳۸۵)، در پژوهش خود به این حقیقت رسید که، وامهای خوداشتغالی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از نظر اقتصادی و روانی شود. از جمله ویژگیهای فردی که بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بیشترین تاثیر را داشته است، تحصیلات، مهارتها و وضعیت اشتغال زنان بوده است. به این معنی که آن دسته از زنان که دارای تحصیلات بالاتر و یا صاحب مهارت بودند، به لحاظ اینکه با استفاده از قابلیت‌های خود قادر به کار کردن بودند، توانمندتر از سایر زنان بودند.

نظر محقق:

اغلب زنان به دلیل مسائل مالی و ابعاد روانی و اجتماعی و... به دنبال شغل هستند، لذا، مهارت آموزی از اقداماتی است که می‌تواند آمادگی آنان را برای اشتغال فراهم نماید. یافته‌ها حاکی از آن است که آموزش مهارتی و طرح‌های خود اشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان می‌شود. از طرفی بسیاری از زنان به افرادی که آموخته بودند به دلیل نداشتن سرمایه اولیه نتوانسته بودند استفاده کنند. البته در برخی سازمانها به افرادی که دارای مدرک فنی و حرفه‌ای هستند وام خود اشتغالی داده می‌شود، ولی زنان سرپرست خانوار

مطرح نموده‌اند که وام مذکور برای ایجاد اشتغال شخصی کفایت نکرده از این رو مهارت آموخته شده، از نظر آنان بدون استفاده باقی می‌ماند. لذا ضروریست که برای اشتغال و در نتیجه توانمندسازی زنان سازمانهای زیربسط نیز تلاش خود را انجام دهند.

روش تحقیق:

در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده که شامل پرسش‌هایی در زمینه‌های مختلف: سن، تحصیلات، میزان توانمندی بر اثر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و... است. همچنین، مقیاس پرسشنامه، مقیاس پنج گزینه‌ای طیف لیکرت است بدین ترتیب که برای توصیف آماری پاسخ‌های داده شده به سؤالات پرسشنامه پژوهش، ابتدا جدول‌های توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط به سؤالات دموگرافیکی و سؤالات پرسشنامه و متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جامعه آماری پژوهش مهارت آموختگان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهر همدان (۳۳۸ نفر) در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه پژوهش (۱۸۰ نفر) از فرمول کوکران استفاده شده است. روایی پرسشنامه به صورت صوری با تأیید متخصصان و کارشناسان امر استفاده شده است و پایایی پرسشنامه با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. برای تعیین میزان پایایی تحقیق حاضر تعداد ۲۸ پرسشنامه بین اعضای نمونه توزیع شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای آنان عدد ۰/۸۳ است و از آنجایی که مقدار آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۷ است، می‌توان ادعا کرد که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است. در پژوهش حاضر برای تعیین همبستگی بین کلیه متغیرهای تحقیق از آزمون همبستگی چندگانه استفاده شده است. برای تعیین رابطه علی بین متغیرها و در نتیجه آزمون فرضیات تحقیق از آزمون رگرسیون ساده، برای مشخص کردن وضعیت موجود (سطح موجود) متغیرهای تحقیق از آزمون میانگین و برای رتبه بندی هر کدام از ابعادهای توانمندی شرکت کنندگان در تحقیق از آزمون تحلیل واریانس فریدمن استفاده شده است.

نتیجه گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که آموزش‌های مهارتی ارائه شده در مرکز در توانمندی مهارتی بانوان شرکت کننده در این دوره‌ها تاثیر داشته و توانسته است توانمندی آنان را از جنبه‌های مختلف؛ افزایش قدرت توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش قدرت دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش قدرت توان انجام کار با تدبیر و روشهای بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت موثر در کلاس، افزایش قدرت توان علمی مطلوب و افزایش قدرت اتکاء به خود را افزایش دهد. این پژوهش با یافته‌های قلی پور (۱۳۸۷)، شکوری (۱۳۸۷)، پژوهش (غفاری، دارابی و جهانگیری، ۱۳۸۸)، پژوهش (کیمیایی، ۱۳۹۰) و پژوهش (کتابی، یزدخواستی و فرخی راستابی، ۱۳۸۲) همسو است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، سطح دانش مهارتی پاسخ دهندگان در زمینه‌های مهارتی پس از شرکت در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، در تمامی زمینه‌ها افزایش یافته است. بنابراین دستیابی به هدف افزایش تغییر دانش مشارکت کنندگان که جزو اهداف آموزش‌ها می‌باشد، تحقق یافته است. براساس میانگین‌های رتبه‌ای عوامل موثر در سنجش توانمندی مهارتی کارآموزان زن که عوامل را از قوی به ضعیف رتبه بندی نموده است، می‌توان اثر آموزش‌های مهارتی را بر هر نشانگر به طور مجزا مشخص نمود. مدیران و برنامه ریزان آموزشی بایستی توجه خود را به نشانگرهای ضعیف بیشتر معطوف نمایند.

پیشنهادات

به منظور بهره‌مندی حداکثر استفاده از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شهرهمدان جهت توانمندسازی زنان، اقدامات زیر مورد توجه قرار گیرند: تقویت نظام مشاوره در مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای به منظور جذب زنان براساس استعداد و علائق آنان و رشته‌های مورد نیاز بازار کار؛ ضمن آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی جهت اشتغال زنان، با تقویت مهارت‌ها و قابلیت‌های فردی و با تامین منابع مالی در جهت تشویق آنان به فعالیت‌های کارآفرینی گام برداشته شود.

برای اینکه توانمندسازی اقتصادی زنان بیشتر شود بهتر است به آموزش در رشته‌های مهارتی که درآمدزایی بیشتری را در کوتاه مدت برای آنان به همراه دارد، سوق داده شوند. محتوی آموزشی دوره‌ها متناسب با نیازهای آموزشی مورد بازبینی و ویرایش قرار گیرد و در تدوین محتوی و استانداردها به جدیدترین روش‌های تدریس، ابزارها و تجهیزات نوین و نوآوری‌ها جهت ایجاد بستر اشتغال، توجه ویژه گردد.

فهرست منابع

- غفاری، غ؛ دارابی، ح و جهانگیری، پ (۱۳۸۸). مروری بر شاخص‌های توانمندسازی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان افزایشی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری، تهران، ۱۳۸۸، شهرداری تهران.
- کتابی، م؛ یزدخواستی، ب و فرخی راستابی، ز (۱۳۸۴). پیش شرطها و موانع توانمندسازی زنان: مطالعه موردی شهر اصفهان. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان. (۲۰- علوم انسانی)، جلد نوزدهم، شماره ۲، ص ۱
- کتابی، م؛ یزدخواستی، ب و فرخی راستابی، ز (۱۳۸۴). پیش شرطها و موانع مطالعه موردی زنان شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه: «توانمندسازی زنان». (۴- اصفهان) علوم انسانی (۱)، جلد نوزدهم، شماره ۲، ص ۵
- کیمایی، س ع (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصل نامه علمی.. - ۸۸ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۸۹-۸۸
- افروزمش، ا؛ و شمسه‌سائی، ح. ر. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت‌آموختگان.
- فصلنامه. مهارت‌آموزی، سال سوم، شماره نهم، صفحه ۵۵ تا ۶۵
- پاپ زن، ع؛ خالدی، خ؛ و سلیمانی، ع. (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستائی در زمینه صنایع دستی. فصل نامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره سوم، صفحه ۲۱ تا ۳۷
- جعفری مهناش، م. (۱۳۸۵). بررسی و شناخت تاثیر خدمات کمیته امداد امام خمینی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ب عنوان پایان نامه ارشد منتشر نشد.
- حق شناس، ج؛ کازرونی، ع. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم. بید. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد اول، صفحه ۳۲۷ تا ۳۳۳
- شکوری، علی. (۱۳۸۷). سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱، صفحه ۱۲۹ تا ۱۵۹
- عزیزی، ح؛ عزیزی، ف؛ و خلیل بیگی، ک. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در اشتغال زنان. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. جلد اول، صفحه ۲۱ تا ۲۹
- فرشاده، ع؛ و نیکروی، ز. (۱۳۹۲). بررسی میزان تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران در سال ۱۳۹۰. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد اول، صفحه ۳۱۹ تا ۳۲۶
- قلی پورر آ؛ و رحیمیان، ا. (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه علمی. پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۴۰، صفحه ۲۹ تا ۶۲